



عکس از علیرضا کریمی

مرگ به جای فوتبال

فوت متین قوسی، فوتبالیست نوجوان برنامه ستاره ساز بدل به موج خبری عجیبی شده که همه به آن اقتدا می کنند. مخالفان برگزاری لیگ برتر با دستاویز قرار دادن مرگ ناگهانی این فوتبالیست، از سرگیری مسابقات لیگ برتر را مقدمه ای برای مرگ و میر بیشتری دانند و موافقان برگزاری لیگ اعتقاد دارند که ابتلای این جوان خارج از فضای فوتبال رخ داده و ربطی به فوتبال ندارد. خداداد عزیزی می گوید: «عده ای در فوتبال سوار قایقی می شوند که فقط منافع خودشان را دنبال کنند. واقعا فوت متین ربطی به لیگ برتر ندارد؛ نه اینکه از مرگ یک پسر بچه مایه بگذاریم.» چرا باید مرگ یک جوان دستاویزی برای مناقشات فوتبالی شود؟ چرا باید مرگ ملعبه ای برای سود و زیان افراد باشد؟ پرونده امروز این ماجرا را واکاوی می کند.

چرا نباید مرگ غم انگیز یک نوجوان دستمایه بحث ها می شد؟

استدلال های غیر ضروری

فرشاد کاس نژاد @Farshadcasnejad



۱ مرگ یک نوجوان علاقه مند به فوتبال و شرکت کننده برنامه تلویزیونی ستاره ساز برای همه غم انگیز بود؛ مرگ دلخراش متین قوسی که دستمایه بحث هایی در فوتبال ایران شد و این بحث ها حتی اعتراض پدر او را در پی داشت. قابل درک است که خانواده او در رخت عزا حوصله و گریشی به بهره برداری از نام فرزند دلبندشان در فوتبال ندارند و برای آنها شاید آزار دهنده باشد، اما فوتبال ایران برای این تصمیم که باید لیگ برتر را برگزار کند یا تعطیل، به جای استدلال منطقی و تصمیم گیری بر اساس شرایط موجود، خود را نیازمند مثال می داند و این مثال البته می تواند باعث رنجش خانواده آن نوجوانی باشد که بر اثر درگیری با ویروس کرونا جان عزیزش را از دست داد.

برای بررسی اینکه آیا باید در ایران لیگ را برگزار کرد یا خیر، باید به آنچه در ایران می گذرد نگاه کرد و برگزاری بوندس لیگا یا هر لیگ معتبر دیگری در فوتبال حرفه ای برای ما نمی تواند مصداق باشد. اشاره به مرگ نوجوان فوتبالیست هم نه مصداقی برای تعطیلی لیگ است و نه راهی برای استدلال برگزاری لیگ.

واقعیت این است که تفاوت های اساسی و بنیادین بین لیگ برتر ایران و بوندس لیگا وجود دارد و این تفاوت ها در موضوعی مثل رعایت پروتکل های بهداشتی نیز می تواند مؤثر باشد. بسیاری از تیم های ایرانی توان اجرای پروتکل ها را ندارند؛ نه امکانات تمرینی مناسب و متعددی دارند، نه امکانات مالی

مهیّا کردن شرایط را، بنابراین احتمالاً فارغ از دستورالعمل ها وارد لیگ می شوند و این بی توجهی ها می تواند خطرناک باشد؛ حتی خطرناک و تلخ.

فیفا راه را برای تصمیم گیری بر اساس شرایط بومی باز گذاشته و در راهنمایی های خود می نویسد: «فیفا به عنوان نهاد حاکم بر

فوتبال دنیا، مسئولیت و وظیفه دارد دستورالعمل مناسب را به فدراسیون های عضو ارائه کند تا هم پیامدهای اختلالات ناشی از کووید-۱۹ برای آنها کاهش یابد و هم این اطمینان حاصل شود که هرگونه واکنشی با منافع همگانی هماهنگ است. فیفا در موقعیتی قرار ندارد که به فدراسیون های عضو آموزش دهد یا در مورد اینکه فوتبال در هر کشور یا محدوده جغرافیایی چه زمانی باید آغاز شود، تصمیم بگیرد.

این تصمیم باید توسط هر فدراسیونی بر اساس توصیه های مقامات بهداشت عمومی ملی آن کشور اتخاذ شود. سلامت همواره باید اصل اساسی برای فیفا و فدراسیون های عضو باشد.» از این راهنمای فیفا اما انگار اینطور برداشت شده که هر تصمیم خطرناکی را می توان گرفت.

آنها که این روزها از مرگ دلخراش یک نوجوان بهانه ای برای تعطیلی ساختند با آنها که ادعا کردند چون مرگ او به تمرین و مسابقه فوتبال ارتباطی ندارد، هر دو سوی ماجرا خود را وارد بحثی غیر تخصصی کرده اند و بی توجه به مسئولیت خود اظهار نظر می کنند؛ اگرچه درخواست تعطیلی لیگ شاید با شرایط بحرانی پراکنش کرونا منطقی باشد. باشگاه پرسپولیس که در بیانیه اش نوشت «مگر با درگذشت پزشکان و پرستاران بیمارستان ها تعطیل شده اند؟» نشان داد که سطح استدلال ها تا چه اندازه عجیب و باور نکردنی است. در چنین شرایطی و با چنین برداشت هایی درباره ویروس

کرونا، برگزاری لیگ حتماً می تواند خطرناک باشد، اما تصمیم منطقی باید فارغ از جدل های منفعت طلبانه یا کری های هواداری گرفته شود، نه اینکه تحت تأثیر چنین فضایی تصمیمی علیه سلامت بازیکنان، مربیان، داوران و خبرنگاران بگیرند و بعد پشیمانی اش نیز فایده ای نداشته باشد.

استفاده ابزاری از یک داغ

شما با فوتبال هستید یا با متین؟

سام ستارزاده



۲ درگذشت متین قوسی، نوجوانی که چندی پیش، برق درخشش اش در برنامه تلویزیونی استعدادیابی در شبکه سه چشمان خداداد عزیزی را هم گرفت، ناراحت کننده و تأثیر بخش بود؛ مانند فوت ایرانی های کوچک و بزرگ، آشنا و ناآشنا متعدد در چند ماه اخیر. حس ملالت آور ناشی از ازدست دادن هموطنان میان ما و کشورهای بسیاری مشترک است، اما وقتی شنیده می شود که از احساسات جریحه دار شده جامعه برای تعیین تکلیف در مسأله ای همچون از سرگیری یا تعطیلی کامل لیگ نوزدهم بهره گیری می شود، شدت این تأسف دوجندان می شود. چه دلیلی دارد که بخواهیم با پناه گیری پشت فوت یک شخص خواسته مان در مورد لیگ را به کرسی بنشانیم؟ اینکه بازگشت فوتبال با جان بازیکنان و بینندگان بازی می کند یا خیر، تصمیمی است

که ستاد کرونا و وزارت بهداشت باید با استناد به کارشناسی های استاندارد بگیرند. استفاده ابزاری از فوت یک جوان عاشق فوتبال، جدای از اینکه داغ دل خانواده اش را تا جایی تازه کرده که پدر مرحوم بگوید دیگر از فوتبال بیزار شده، اتحادی را از ما سلب می کند که برای سپری کردن این دوران سخت بشدت به آن نیازمندیم. یورگن کلوپ می گوید: «اگر ادامه لیگ انگلیس باعث

کرونا به فوتبال یک گل نزده؛ بلکه بیشتر زده. تا زمانی که دفاع جامعه فوتبال از یکدیگر تا این اندازه از هم گسیخته باشد، گل بیشتری را هم خواهد زد

فوت یک تماشاگر هم شود، من این تصمیم را صحیح نمی دانم.» همه می دانیم که ضرر کلوپ از لغو فصل جاری لیگ جزیره به مراتب از ضرر احتمالی هر ایرانی از ادامه یا نیمه کاره ماندن لیگ برتر بیشتر است. اما کلوپ حداقل در حرف هم که شده، نشان داد برای حفظ اتحاد باید روحیه ایثارگری داشت؛ یعنی حتی گذشتن از درو کردن حاصل چهار سال زحمت که برای یک تیم کشیده شده و کسب افتخار شکستن طلسم ۳۰ ساله لیورپولی ها. حتی اگر قرار به قیاس حرف ها باشد، حرف کلوپ را با استوری های «کرونا یک-فوتبال صفر» می توان مقایسه کرد. خداداد عزیزی که به واسطه همان برنامه تلویزیونی رابطه نزدیکی با مرحوم قوسی داشته، می گوید او در زمین فوتبال کرونا نگرفته. وزیر ورزش، معاون وزارت بهداشت و هیچ مسئول دیگری عامل فوت متین نیستند. کرونا به فوتبال یک گل نزده؛ بلکه بیشتر زده. تا زمانی که دفاع جامعه فوتبال از یکدیگر تا این اندازه از هم گسیخته باشد، گل بیشتری را هم خواهد زد. ما متأسفانه متین را از دست داده ایم، ولی می توانیم سلامت متین های دیگر را با گذشت و اتحاد تضمین کنیم. باور داشته باشیم که خواسته های فوتبالی هیچ کدام از ما به اندازه جان یک بیمار مبتلا به کووید-۱۹ که برای بهبودی می جنگد، ارزشی ندارد.